

## نامزدها نگاهشان به ملت باشد نه بیرون مرزها

صفحه ۲



## دولت یازدهم از پس رکود برنیامد و نخواهد آمد

صفحه ۲

# حسن روحانی: رکود نداریم!

## بازهم برنامه ۱۰۰ روزه دارم

صفحه ۲

تیتراهای امروز

### صدای موج تغییر

رئیس‌ی در بیرجند و قالیباف در قم مهم‌ترین برنامه‌های خود برای ایجاد تغییرات ملموس در معیشت مردم را اعلام کردند

صفحه ۲

### کاندیدای پوششی نباید در مناظرات شرکت کند

صفحه ۲

کارشنکی و باندبازی در مسیر تحقیق و تفحص از صندوق ذخیره فرهنگیان

### گرفتار

### در باتلاق فساد

صفحه ۲

### کودتای سفید در خاندان سعودی

صفحه ۱۵

ادبیات زشت مشاور حسن روحانی درباره کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری

### آشنا: کاندیدها باید مثل سگ از مجری بترسند!

صفحه ۲

روزنه

### مثل سگ باشید اگر جرأت دارید!

مسعود فروغی

حالا که عقل منفصل دولت در امور رسانه‌های خواستار این شده که برای برخورد با کاندیداهای انتخابات فردی مجری باشد که تک‌تک کاندیدها مثل سگ از او بترسند، لزوما باید این مجری در برخورد با کاندیدای دولتی‌ها یعنی رئیس‌جمهور محترم هم از همین قدرت و صلابت برخوردار باشد اما تجربه ۴ سال اخیر مساله دیگری را نشان می‌دهد.

آقای روحانی در نخستین کنش‌های عمومی‌اش برای انتخابات انصافا «گرچه را دم حجله مجری‌ها کشت!» کی؟! همان روزی که در گفت‌وگوی ویژه خبری «حسن‌عابدینی» مجری برنامه را در دم محکوم کرد به طوری که جناب مجری نتواند وظیفه پرشنشگری از سوی افکار عمومی را بخوبی اجرا کند: «آقای عابدینی! اشکال ندارد یک کلمه از صدواسیما هم بگوئیم که صدواسیما مال همه‌مان است دیگر...» یا «آقای عابدینی شما نباید در سوال اشتباه کنید...» یا «این حرفی که زدید می‌داند که دروغ خودتون می‌دونید که دروغه...» یا «اونی که از گوشه می‌شما می‌گوید بلد نیست قاعدتا خود شما بلدی تصحیح کن» یا «شما کجا بودی آنوقت یو سی اف را ما تکمیل کردیم، یو سی اف می‌داند کی افتتاح شد آقای عابدینی خوبه تاریخ را بخوانید...»

عابدینی فردای آن گفت‌وگو در مصاحبه‌ای علت سکوت در برابر حملات روحانی را اینطور عنوان کرده بود: «به صورت کلی گفت‌وگوی ویژه مناظره نیست و بنای چالش با کاندیدا را ندارد» اما وی معتقد است که «فکر می‌کنم مردم خودشان تمام موارد را به صورت کامل رصد می‌کنند.»

اگر آقای آشنا ۴ سال زودتر این حرف‌ها را می‌زد اینقدر که الان تعجب‌آور است، نبود، جالب اینکه هیچ وقت سابقه نداشته این حجم از حمله مستقیم به مجری‌ای که قصد دارد با سوالات صریح فرد مصاحبه‌شونده را به پاسخ‌های

به درد بخور برساند.

به هر ترتیب انتخابات تمام شد و حسن روحانی در سال ۹۲ رئیس‌جمهور شد، در جریان ۴ سال اخیر هم کارنامه دولت مستقر که اتفاقا یکی از اصلی‌ترین اعضای اتاق فکرش همین آقای آشناست...

ادامه در صفحه ۵

### دولت مونولوگ!

محمد زعیمازاده

آزادی و گفت‌وگو و امثالهم ترجیح می‌دهم خیلی درباره عقبه فکری و معرفتی جناب روحانی چیزی نگویم و فعلا به اینکه جناب روحانی در یک سخنرانی تاکید کرده بود «دعوت به تضارب آرا و دعوت به گفت‌وگو برای جامعه ما زود است» را گرفت. اگر روزی مک لوهان در تبیین عوامل گسترش یک پیام به قوت رسانه انتشاردهنده پیام تاکید می‌کرد، امروز بی تردید قوت و قدرت رسانه عامل اصلی در گسترش پیام نیست بلکه آنچه در عصر هم‌اوردی رسانه‌های خرد با رسانه‌های بزرگ مهم است، مستدل بودن خود پیام است. خبا! با این توصیف بدیهی است که دیگر تلاش برای یکسویه سخن گفتن و تصور کارآیی ظهور و بروز تک‌گویی و اثربخشی برخورد شبه‌کمونیستی با رسانه‌ها تصویری غلط است.

«دوران پیام‌های یکطرفه به سر آمده و کم‌کم به نقطه‌ای می‌رسیم که جایی برای استبداد پیام نباشد و دیگر دوران رساندن پیام از طریق بلندگوهای یکطرفه، منبرهای تبلیغاتی هم تریبون‌های یکطرفه و سنتی به سر آمده است.»

بله! درست حدس زدید، اینها بخشی از سخنان جناب روحانی است که احیانا اگر تکذیب نشود از قضا صحبتی چارچوب‌دار و منطقی هم هست و ممکن است به عنوان یکی از اسناد پایبندی دولت به گفت‌وگو و یکی از فرازهای طلایی از سخنان ایشان در فیلم‌های تبلیغاتی هم استفاده شود اما واقعیت این است که با یک نگاه کوتاه به عملکرد دولت در مساله آزادی و تلاش برای گفت‌وگو روشن می‌شود این جمله احتمالا برای همان فیلم‌های تبلیغاتی بیان شده و در عمل جز موارد معدودی مابه‌ازای بیرونی نداشته است و حتی مثال‌های نقض بسیاری از این مساله در دولت یازدهم ثبت شده است.

ناگفته پیداست بهترین سنگ محک و سنجه برای اندازه‌گیری میزان پایبندی فرد، جناح یا دولتی به مساله آزادی بررسی واکنش‌ها و سخنان در شرایط مواجهه با منتقدان و افراد نه چندان هم‌نظر است؛ به این معنا که در پاسخ به این سوال که چه وقت شعار آزادی، مدعایی واقعی است؟ سنجه آزادی، نوع مواجهه شما با «مخالف خود» است. یعنی در نوع کنش با مخالف است که مدعای آزادی امکان ظهور دارد. ورنه اگر آزادی، آزادی هم‌اندیشان و هم‌نظران می‌باشد، جایی برای مخالفت با آزادی باقی نمی‌ماند و این می‌شود همان مثال عام «خودگویی و خود خندی، عجب مرد هنرمندی!»

در باب نسبت دولت جناب روحانی با مساله

### نگاه امروز

مراجعه به به‌روزترین پژوهش‌های علم ارتباطات نشان می‌دهد در عصر و زمانه‌های هستیم که دیگر امکان سانسور واقعیت‌ها وجود ندارد و نمی‌توان خیلی صریح و بدون هزینه جلوی انتشار پیامی را گرفت. اگر روزی مک لوهان در تبیین عوامل گسترش یک پیام به قوت رسانه انتشاردهنده پیام تاکید می‌کرد، امروز بی تردید قوت و قدرت رسانه عامل اصلی در گسترش پیام نیست بلکه آنچه در عصر هم‌اوردی رسانه‌های خرد با رسانه‌های بزرگ مهم است، مستدل بودن خود پیام است. خبا! با این توصیف بدیهی است که دیگر تلاش برای یکسویه سخن گفتن و تصور کارآیی ظهور و بروز تک‌گویی و اثربخشی برخورد شبه‌کمونیستی با رسانه‌ها تصویری غلط است.

«دوران پیام‌های یکطرفه به سر آمده و کم‌کم به نقطه‌ای می‌رسیم که جایی برای استبداد پیام نباشد و دیگر دوران رساندن پیام از طریق بلندگوهای یکطرفه، منبرهای تبلیغاتی هم تریبون‌های یکطرفه و سنتی به سر آمده است.»

بله! درست حدس زدید، اینها بخشی از سخنان جناب روحانی است که احیانا اگر تکذیب نشود از قضا صحبتی چارچوب‌دار و منطقی هم هست و ممکن است به عنوان یکی از اسناد پایبندی دولت به گفت‌وگو و یکی از فرازهای طلایی از سخنان ایشان در فیلم‌های تبلیغاتی هم استفاده شود اما واقعیت این است که با یک نگاه کوتاه به عملکرد دولت در مساله آزادی و تلاش برای گفت‌وگو روشن می‌شود این جمله احتمالا برای همان فیلم‌های تبلیغاتی بیان شده و در عمل جز موارد معدودی مابه‌ازای بیرونی نداشته است و حتی مثال‌های نقض بسیاری از این مساله در دولت یازدهم ثبت شده است.

ناگفته پیداست بهترین سنگ محک و سنجه برای اندازه‌گیری میزان پایبندی فرد، جناح یا دولتی به مساله آزادی بررسی واکنش‌ها و سخنان در شرایط مواجهه با منتقدان و افراد نه چندان هم‌نظر است؛ به این معنا که در پاسخ به این سوال که چه وقت شعار آزادی، مدعایی واقعی است؟ سنجه آزادی، نوع مواجهه شما با «مخالف خود» است. یعنی در نوع کنش با مخالف است که مدعای آزادی امکان ظهور دارد. ورنه اگر آزادی، آزادی هم‌اندیشان و هم‌نظران می‌باشد، جایی برای مخالفت با آزادی باقی نمی‌ماند و این می‌شود همان مثال عام «خودگویی و خود خندی، عجب مرد هنرمندی!»

ادامه در صفحه ۵

### منتقدان وضع موجود، متحد شوید!

حسین قدیانی

نداریم، از سویی بزرگ‌ترین تخلف مالی ممکن را «معوقه بانکی» بخوانند از سویی مدعی مبارزه با فساد باشند، از سویی متخلف را ذخیره و امانتدار بخوانند! از سویی دراستخرهای شاهانه، شیرجه‌های لوکس بزنند، از سویی اعلام کنند شب پرداخت یارانه، شب عزای هیات دولت است! تو گویی دارند از جیب خودشان، به ملت، صله می‌دهند که این همه از موضع بالا با مردم حرف می‌زنند! هان ای منتقدان وضع موجود! اختلاف، بی‌اختلاف! همه با هم متحد شوید! همه با هم متحد شوید! «تغییر» ندای «تغییر مدیریت اجرایی کشور» را همصدا با خواهرانت و همراه با دیگر برادرانت فریاد کن! آری! حق ما جمهوری مظلوم، رئیس‌جمهوری نیست که ۴ سال پیش در چنین روزهایی، وعده تحول اقتصادی در بازه زمانی ۱۰۰ روزه بدهد و بعد به چشم مرد و زن ما نگاه کند و منکر وعده خود شود، آنگاه بگوید «۱۰۰ سال هم برای حل مشکلات کشور کافی نیست!» و بعد شگفتا دوباره وعده ۱۰۰ روزه دهد! رئیس‌جمهوره که داریم؟! هیهات! حق ما جمهوری همیشه در صحنه که هرگز دعا در حق سربازان امنیت ایران عزیز، من جمله همین حاج قاسم سلیمانی را فراموش نکرده و نمی‌کنیم، داشتن رئیس‌جمهوری نیست که روز توافقی، با جلو انداختن خانواده شهدای هسته‌ای اعلام جشن کند که «به محض اجرای برجام، همه تحریم‌ها بالمره لغو می‌شود.» و اندکی بعد چشم در چشم ما بدوزد و مدعی شود «ما اصلا برای لغو تحریم‌ها، وارد مذاکره با دشمن نشدیم!» از سویی بگوید خزانه خالی است و از سویی مدیرانی داشته باشد با حقوق ماهی ۱۰۰ میلیون و بیشتر! از سویی بگوید هیچ خط قرمزی در مبارزه با فساد

کار است که رئیس آن ذره‌ای احساس شرمندگی ندارد، بلاد رنگ «تغییر» ضرورت مضاعف پیدا می‌کند! پس اختلافات ظاهری را کنار بگذارید و دست در دست هم «تغییر» را در میدان عمل، عملیاتی کنید!

حالا سخنی با تو برادر محترم! صرفنظر از هر عقیده‌ای که داری و هر سلیقه‌ای، اگر ادامه وضع موجود را با وجود این همه بی‌کاری و این همه رکود، خطرناک برای امن و امان ایران عزیز می‌دانی و هرگز دوست نداری صبح را به جای کار، با نامنی‌های متعدد ناشی از بی‌کاری و رکود، آغاز کنی، ندای «تغییر مدیریت اجرایی کشور» را همصدا با خواهرانت و همراه با دیگر برادرانت فریاد کن!

آری! حق ما جمهوری مظلوم، رئیس‌جمهوری نیست که ۴ سال پیش در چنین روزهایی، وعده تحول اقتصادی در بازه زمانی ۱۰۰ روزه بدهد و بعد به چشم مرد و زن ما نگاه کند و منکر وعده خود شود، آنگاه بگوید «۱۰۰ سال هم برای حل مشکلات کشور کافی نیست!» و بعد شگفتا دوباره وعده ۱۰۰ روزه دهد! رئیس‌جمهوره که داریم؟! هیهات! حق ما جمهوری همیشه در صحنه که هرگز دعا در حق سربازان امنیت ایران عزیز، من جمله همین حاج قاسم سلیمانی را فراموش نکرده و نمی‌کنیم، داشتن رئیس‌جمهوری نیست که روز توافقی، با جلو انداختن خانواده شهدای هسته‌ای اعلام جشن کند که «به محض اجرای برجام، همه تحریم‌ها بالمره لغو می‌شود.» و اندکی بعد چشم در چشم ما بدوزد و مدعی شود «ما اصلا برای لغو تحریم‌ها، وارد مذاکره با دشمن نشدیم!» از سویی بگوید خزانه خالی است و از سویی مدیرانی داشته باشد با حقوق ماهی ۱۰۰ میلیون و بیشتر! از سویی بگوید هیچ خط قرمزی در مبارزه با فساد

خواهر یا برادری که داری یادداشت امروز این متن را می‌خوانی! اگر گله داری از این همه خلف وعده، از این همه کارگر بی‌کار شده، از این همه کارخانه ورشکسته، از این همه رکود، از این همه تناقض میان آمار دولت و جیب ملت، از این همه عدم پاسخگویی که مختصر یارانه تو هموطن یا برادر و خواهر تو را قطع کنند بدون آنکه زحمت یک خط توضیح به خود بدهند، از این همه تفرعن، از این همه اشرافی‌گری، از این همه حقوق نجومی، از این همه مدیر شاسی‌بلند که با وجود آن همه تخلف میلیونی هر ماهه، آخرش هم طرف بشود ذخیره و امانتدار، از این همه فساد، از این همه تبعیض و از این همه دشمنی با تو و دوستی با دشمن، باید «تغییر» دهی فضا را که از قضا، تقدیر و قضا، بسته به تدبیر تو و رای تو هموطن عزیز است. خواهرم! در جهت «تغییر وضع موجود»، هیچ مهم نیست اصلاح‌طلب باشی یا اصولگرا یا اصلا هیچ کدام، تهرانی باشی یا ساکن هر کجای دیگر این ایران عزیز، دانشجو باشی یا کارمند یا خانه‌دار، هر چه می‌خواهی باش اما برای «تغییر» چاره‌ای نیست الا «اتحاد»! اگر

جملگی گلایه دارید از وضع موجود، پس یکدل و یکصدا و همه با هم عزم را برای تغییر، جزم کنید! همه شما خواهران عزیز، لایب در خانه خودتان یا آشنایان‌تان یا در و همسایه، کارگر بی‌کار شده دارید! و لایب دیده‌اید تبلیغ «خانه کارگر» را بر در و دیوار شهر! شگفتا! کارخانه، تعطیل و کارگر، بی‌کار اما «خانه کارگر» با سوءاستفاده از نام مقدس کارگر که بلاشک عرق جبین او کم از خون مطهر شهید ندارد، مشغول تبلیغ برای همان حسن روحانی‌ای است که در چشم همه شما نگاه کرد و گفت: «ما شرمنده نیستیم!» اگر با وجود این وضع، دولتی سر

کمزاد و... خواند. این توازن دولت و منتقدان در شرایطی بود که در چند حضور تلویزیونی پرسش و پاسخ زنده روحانی با مردم نیز همواره فشار از سوی نهاد ریاست‌جمهوری به گونه‌ای بوده که مجریان به انتخاب دفتر رئیس‌جمهوری باشند و اتفاقاتی در آنها افتاد که حتی طرفداران روحانی را نیز معترض و ریاست صدواسیما را ناچار کرد در دفاع از آزادی بیان به شورای نظارت بر رسانه ملی شکوه برد!

این تریبون‌ها و منابر یکطرفه رئیس‌جمهور در شرایطی بوده که روحانی در این ۴ سال هیچ‌گاه خود را در معرض مستقیم نظر و رای مردم قرار نداده و حرف عموم مردم را نشنیده است...

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz